

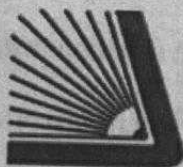
بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَمْ تَكُنْ لَمْ يَكُنْ

گنجینه راز مگو

حکایت، غزلیات، رباعیات بدیع
به انضمام
"چهل طلسم" فالنامه منظوم

تألیف و تدوین:

خانعلی کوهی



انتشارات نظری

مقدمه

گفتنی هائی در بطن ناگفتنی ها

با نگاهی شگرف و عمیق و عارفانه اگر با دیده بصیرت مرور و نظری به صحیفه تاریخ گذشته و گذشتگان نمائید خواهید دید که بزرگ مردانی صاحبان علوم دینی ادبی اخلاقی و سخندانان و دانشورانی در البسه گوناگون وجود داشته اند که شایسته وسزاور تقدیر بوده اند همانند آب حیاتی در ظلمات و گنجی در ویرانه و گوهری آلوده به تیره خاک و دُر دانه ای در سنگلاخ ناشناخته شده در میان مردم زندگی کرده اند که انگشت شماری از آنان پس از سال های سال که گاهی با اشاره و گذران شاید نامی از ایشان برده شود تا در حد گفتار و در عصر حاضر افرادی فرهیخته و با فراست بامکار اخلاق صاحب علم و ادب و با فضیلت هستند که در میان مردم گمنام و غریبانه زندگی می کنند که متأسفانه بواسطه بی توجهی به مقام علمی آنان منزوی و آثار نفیس و ارزشمندشان با آنان گم شده که چه خسرانی بزرگتر از آن که آیندگان از آنهمه تجربیاتشان محروم و بی بهره بمانند به قول معروف، مشت نمونه خروار است.

استاد علی کوهی سعدی متولد سال ۱۲۱۱ هجری شمسی پدرش علی که مردی وارسته و به پاکی و صلاح و خیراندیشی معروف و مادرش مسمی زهرا بی بی که پدرش بنام کربلانی علی محمد ایزدی که قریب صدسال پیش به نجف اشرف که به ریاست مشرف شده بود دار فانی را بدرود گفته و در دارالاسلام نجف اشرف مدفون است رحمت رحمت بر روان خدابه روان پاکش استاد علی کوهی سعدی در جوار شیخ سعدی که موطن اصلی آبا و اجدادش و می بوده دیده به جهان گشوده وی در خانواده ای اصیل و مذهبی «شیعه اثنا عشری پرورش یافت» چون در جوار شیخ اجل ولادت و سعادت یافته از گل های گلستان معرفت و اندیشه او بوئی به مشام جانش رسیده که با موهبت الهی و عشق و علاقه به خاندان نبوی (ص) بهره ای از شعر و شاعری و سخنوری نصیبش گشته است.

استاد علی کوهی سعدی شاعری خلاق و توانمند و پویا و کوشا و پژوهشگر مدبر مدبر و متبحر و مولف ده ها مجلدات شعر و نثر که در تمام مجموعه های شعریش از سبک و سیاق سروده های

عرفانی نشأت گرفته است هم چنین در سرایش قصیده و غزل و رباعیات مخمسات و حماسی تبحر ویژه ای داشته و دارد. وی نیز با قلم سحر و گوهر بارش کاری ما نا از خود به یادگار گذارده است و در نخجیر واژگان بکر و جزیل و شیوا و نغز و بارز فصیح و بلیغ و رسا از خود شایستگی مضاعفی مبذول داشته که حدی بر آن متصور نیست تمامی سروده هایش بدون عقد و نکاح و مناکحت به حجله اندیشه گسیل داشته و اجازتی بر منتقد و منتقد نداده تا بر آثارش نقدی یا انتقادی به جا آرند بدون تشوق پیرایش آنچنان مهارت و ابتکار خاصی معمول نموده که خواننده دلسرود هایش را آنچنان نه یک بار بلکه به چندین بار بر آن و امیدارد که با ولع و آرزو واژگان مکتوب در خطوط و طور کاغذ را بگرات از مد نظر بر ماند زیرا گفته اند و می گویند شعر خوب و دلپذیر و دریل و سوا و پر نغز آنست که خواننده را به تمایل وادارد تا چندین بار مروری دوباره نماید. این سفر شوق و پیام آور کلام و قلم و ادب علاوه بر شعر و شاعری انسانی خاشع و خاضع و مخلص و اخلاصمند از نکته نظر آداب و معاشرت و الفت پیوسته دل در طبق اخلاص داشته و در مجالست و موانست و معاشرت و عطوفت و شفقت بین دوست و آشنا زبانزد عام و خاص بوده و می باشد این صوفی صابی و درویش پرمحسن با صفا هر چند به دانشگاه نرفته و کسوت دانشجویی بر قامت فراز خود ننپوشیده و نیکی لباس زربفت از طبیعت بر تن نموده و فارغ التحصیل دانشکده طبیعت بوده و برای صید وارکان آنچنان سلیقه نی اعمال داشته که آدمی انگشت حیرت به دندان بر می گزد. آری یوتی الحکمت من یشا و من یوتی الحکمت من یشاء فقد اوتی خیرا کثیرا.

وی در شاعری و عرفان ادعائی نداشته و ندارد و قضاوت و داوری را به اهل فن تفویض و خود به کنجی می نشیند و افق دوری را سیر می کند.

این پیر دیرو این آسوه نستوه و این ابر اندیش بی ادعا یک الگو و یک نماد و یک آسوه که در سخندانی سخن سنجی و سخنوری بی بدیل پیوسته. یک در گفتار دو در استماع و از توضیح واضحات امساک می ورزد سخن کوتاه و گزیده ادا می کند و گلخنده ها همواره بر لب شکوفا دارد از تکلف گوئی محذور و در شکار مرغان معانی ید طولائی داشته و دارد در حماسه سرائی گوئی

فردوسی زمان و غرلسرائی سعدی و در عرفان حافظ و در ملاحات گوئی و مضامین نظامی و در رباعی خیام زمان بوده است که با یک تبحر خاص واژگان بکر و رسا را شکار و به ترتیب با آهنگ ویژه ای در خطوط می نشانند که آدمی به حیرت می افتد.

این ابر اندیش چه مخیله ئی عجیب و غریب داشته و دارد که چنین کاری مانا و متحیر العقول با خود یدک می کشد در مجموع مشارالیه را می توان در شمار شاعران انگشت شماری تلقی نمود که شاید مشابه آن در این عصر وانفسی به تعداد شمارش محدود باشد بقول معروف دانه های درشت احتیاج به شمارش نداشته این دانه های ریزند که دوست دارند بر موج شتاب سوار تا خود را به مرحله دانه های درشت برسانند بعضی از سروده ها مثل یک کتابند خطوط و سطور و سفیدی بچشم می خورد و بعضی را باید چند بار خواند تا مفهوم و مطالبش را بفهمید سخن و سروده خوب آن است که فهم آن برای عام و خاص آسان و خواننده و شنونده رابه انتظار ادامه آن وادار نماید حبذا بر تو وبر صبیح غنای ته ای پیر دیر وای اسوه نستوه چه نیکو سخن گفته ای و چه زیبا چنین را چنان کرده ای مر حبا چه کاری کارستان کرده ای که این فعل کاری بس دشوار و هر کس نتواند راهی را که پیشه نمرود باستان شما ادامه دهنده این راه باشد خدایت توفیق و اجر دهد و پیوسته سبز و شکوفایت دارد استی صید مرغان معانی کاری دشوار و صعب بوده همت رستم دستان می طلبد که بتواند در کثرت اندیشه خجسته های نوشکفته را بهم پیوند دهد و ایشان بخوبی از عهده آن برآمده است که با توجهی به فهم آثار این کیمیای زر کننده فولاد سخن قدر او خواهید شناخت که همه از موهبت حضرت باری تعالی است و السلام

مؤلف تذکره جمعی از شاعران معاصر قرن ۲۰

سید ناصر نجم الدینی سیاهکلی - خرداد سال ۱۳۹۶ هجری شمسی